

دستاورد عزاداری‌ها

را در اخلاق جست‌وجو کنیم



حجت‌الاسلام والمسلمین محمود ریاضی
طیّب و قرائش مذهب

از جلوه‌های پر فروغ واقعه کربلا و عاشورای حسینی، تجلی آراستگی رفتارها به اخلاق الهی است. در جای جای حرکت سیدالشهدا^(ع) از مدینه به مکه، از مکه به کربلا و پس از آن حتی حرکت چهل منزلی قافله اسرا، اخلاق در اوج قرار دارد. از برجسته‌ترین جلوه‌های این اخلاق، جوانمردی است. تاجایی‌که بنا بر روایات، حتی رأس مطهر حضرت سیدالشهدا^(ع) روی نی، آیاتی از سوره مبارکه کهف (۶ تا ۱۳) را که به مروت و جوانمردی دلالت دارد، قرائت می‌کرد.

این قحطیه از فرماندهان سپاه عمرین سعد می‌گوید: در عصر روز عاشورا با حضرت سیدالشهدا^(ع) جنگ تن به تن کردم و از ناحیه دست و پا زخمی شدم. تصورم بر این بود که ایشان در این حال من را می‌کشند اما حضرت مرا به کناری بردند تا من به رسیدگی شود. وقتی تعجب من را دیدند، فرمودند: «دعای من با شما بر سر دین خداست و دین خدا سراسر جوانمردی است و اجازه نمی‌دهد که با دشمن زخمی بچنجم».

از دیگر مصادیق جوانمردی در آوردگاه کربلا، نماز است. در روز عاشورا دو نماز جماعت اقامه شد؛ یکی به امامت حضرت سیدالشهدا^(ع) و دیگری به امامت عمرین سعد ملعون. ظاهر هر دوی این نمازها یکی بود اما آن‌ها در تعقیبات فرق داشتند؛ تعقیبات نماز امام حسین^(ع) و یارانشان، جوانمردی با دشمن در میدان جنگ و تعقیبات سپاه یزید، سبلی زدن به کودکان بود!

در دیگر مواضع و عرصه‌های نهضت عاشورای حسینی نیز اخلاق، تجلی خاص دارد، اینکه حضرت زینب^(س) فرمودند: «ما رأیْتُ أَلَا جمیلةً» برای آن بود که در سپاه و اصحاب و اهل بیت امام حسین^(ع) چیزی جز اخلاق دیده نمی‌شد و در لشکر دشمن، سراسر ناجوانمردی جریان داشت، تاجایی‌که حتی با زنان و کودکان و زخمی‌های جنگ نیز با قساوت و ناجوانمردانه برخورد کردند.

خطبه‌های سیدالشهدا^(ع) و سخنانشان حتی وقتی درباره دشمن سخن می‌گفتند، آراسته به اخلاق بود، برای مثال در اظهارنظر درباره ابن زیاد، او را حرام زاده معرفی نمی‌کنند، بلکه می‌فرمایند: الدُّعی بُنُّ الدُّعی؛ اگر چه همان معنا را دارد اما همراه با حفظ اخلاق است؛ یعنی ایشان حتی درباره دشمن، عفت کلام را رعایت می‌کردند. حضرت زینب^(س) نیز در خطبه‌ها، روابط خانوادگی یزید و عبید... را باز نمی‌کردند، بلکه مؤدبانه سخن می‌گفتند. عاشورا به ما یاد می‌دهد که باید در همه عرصه‌های مادی و معنوی اعم از شخصی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی و... جوانمردانه رفتار کرد. کربلا آوردگاه مواجهه رذایل و فضایل اخلاقی بود.

از خلأهای مجالس اهل بیته، غلبه عواطف، هیجانات و احساسات بر ابعاد دیگر نهضت عاشورا یعنی منطق و فرهنگ و حماسه و رشادت هاست، درحالی‌که بخش مهم جهاد تبیین، پرداختن به آموزه‌های عاشورا و ایجاد این همانی با امروز جامعه است. اما بسیاری از منابر ما امروز اشکی شده‌اند، بدون آنکه منطق و فرهنگ عاشورا و رشادت‌ها را بیان کنند.

حضرت زینب^(س) در چهل منزل اسارت، حقیقت واقعه عاشورا را تبیین کردند و به سر بردن‌ها و تازیانه‌ها و قنداقه خونی اشاره‌های گذرا کردند. ایشان تبیین می‌کنند شهادت، ارث ما و استقامت در مسیر خدا فضیلت ماست. همچنین امام سجاد^(ع) در معرفی خود شاید «اجمله بیان می‌کنند و تنها دریکی از آن‌ها، خود را پسردیج معرفی و به قساوت دشمن اشاره می‌کنند و تأکید و تمرکزشان بر تبیین واقعیت کربلاست. امروز هم اگر مؤدب به آداب و اخلاق و رعایت حق الناس در روابط فردی، اجتماعی و خانوادگی نباشیم، سپاه پوشی‌ها به کار ما نمی‌آید، چنان‌که یک عمر سپاه پوشی بنی عباس برای سیدالشهدا^(ع) به کارشان نیامد، چون در حق مردم جنایت کردند. باید ببینیم سپاه پوشی و عزاداری ما شبیه امام رضا^(ع) است یا بنی عباس و این با خروجی مجالس مشخص می‌شود که به اخلاق رضوی آراسته شده‌ایم یا به اخلاق متوکلّی. یزید برای امام حسین^(ع) اقامه عزاکرد و اصطلاحاً مومک زد! باید ببینیم مومک ما امام صادقی است یا یزیدی و هارون الرشیدی؟ یا خروجی عزاداری‌ها می‌توان به حسینی بودن اقامه شعائر، امیدوار بود.

اشارات

به انتظار تو

ریحانه عامل‌نیک! امن و امان واژه هایی هستند که هر مسلمان پیامبر ندیده ای دوست دارد در زیر سایه امام زمانش تجربه اش کند. انتظار برای ما تنها یک مفهوم بدون اقدام و عمل نیست. فکر نکنم هیچ فرد ایمان داری در ادیان دیگر آن راتانکون تجربه کرده باشد. در کلام ائمه معصوم^(ع) برای تحت لایا بودن آدایی ذکر شده است. امام صادق^(ع) می‌فرمایند: «به خدا قسم من شما و ارواحتان را دوست دارم. شما با ورع و تلاش، مرا بر این محبت کمک کنید و بدانید که ولایت ما به فردی می‌رسد که ما را با ورع و تلاش، کمک کند. هر که به بنده‌ای اقتدا کند، باید به عمل او اقتدا کند. علاوه بر عمل و تلاش، باید به دوستان او محبت ورزد و از دشمنان او بیزاری جوید» (مشارق الاثوار، ۴۸).

بردار و بخوان

چابک‌سوار

حتما اسم مختار ثقفی را شنیده‌اید. رمان بلند «چابک‌سوار» براساس قیام و زندگی نامه او نوشته شده است. روایت این اثر با سفر ناگهانی نویسنده به کشور عراق و آشنایی او با یک کتاب‌فروش دوره‌گرد آغاز می‌شود که از طریق او کتابی قدیمی که روایتی از قیام مختار است، به دست نویسنده می‌رسد.

هرچند که او در اتفاقی، کتاب را از دست می‌دهد و در ادامه ناچار به مراجعه به ذهن خود برای یادآوری کتاب و کشف نسخه‌ای دیگر از متن می‌شود که حاصل این امر را در قالب روایت زندگی مختار بیان می‌کند. نویسنده، مسلم ناصری، راه خلاقانه‌ای را برای روایت در پیش گرفته است. این اثر را انتشارات کتابستان معرفت، چاپ کرده است.

«چابک‌سوار»، رمانی با رنگ و بوی عاشورایی درباره قیام مختار ثقفی به قلم مسلم ناصری است.

● برشی از کتاب:

مختار با آرامش نشسته بود، ولی یارانش با نگرانی از بصره می‌گفتند: شهری که مصعب، برادر عباد... زبیر، آنجا کمین کرده و منتظر لحظه مناسبی بود که به کوفه حمله کند، برای همین، بعضی از بزرگان و عرب‌ها مخفیانه راه بصره را در پیش می‌گرفتند و به پسر زبیر می‌پیوستند.

مختار برخاست. بدون اینکه چیزی بگوید، به سوی پنجره رفت. لحظه‌ای در نور ایستاد و گفت: «من نگرانی شما را بیشتر از همیشه درک می‌کنم، اما گفتم که کار مهم‌تری در پیش دارم».

- ابواسحاق! اگر با سران قیابیل نرم‌تر برخورد کنی، شاید....

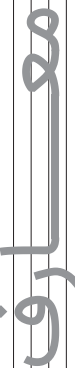
- صدها عرب به بصره کوچیده‌اند و گریخته‌اند؟

برای چه؟ بی‌گناه بوده‌اند و گریخته‌اند؟ کسی جواب نداد. مختار ادامه داد: «من به مولایم قول داده‌ام که انتقام خون برادرش را بگیرم. تا همه قاتلان را مجازات نکنم، از پای نخواهم نشست؛ مگر کسانی که در عهد و پیمان من باشند».



شهریار
شماره ۱۷
مهرم ۱۳۹۴
شماره ۱۴۳۹

۱۴



زیارت عاشورا، نسخه عملی تولی و تبری است

دوستی و دشمنی‌ای که شرط نجات است

۱۴

انگوتینان ابراهیم خلیل باشد

قرآن به عنوان محل رجوع برای اطلاع از آنچه خدا برایمان خواسته است، حضرت ابراهیم^(ع) را الگوی عملی تولی و تبری معرفی می‌کند، آنجا که در آیه ۴ سوره ممتحنه می‌خوانیم: «برای شما مؤمنان بسیار پسندیده و نیکوست که به ابراهیم و اصحابش اقتدا کنید که آن‌ها به قوم (مشرک) خود گفتند: ما از شما و بت‌های شما که به جای خدا می‌پرستید، به‌کلی بیزاریم. ما مخالف و منکر شماسیم و همیشه میان ما و شما کینه و دشمنی خواهد بود تا وقتی که تنها به خدای یگانه ایمان آرید».

فصله‌ای که واجب است

تولی به معنی دوستی و تبری به معنی دوری کردن است. این دو عمل که در فروع دین نیز آمده‌اند، در روایاتی که از ائمه اطهار^(ع) به ما رسیده‌اند، گاه به عنوان شرط پذیرش اعمال نیک آمده‌اند؛ چراکه تولی به معنی دوستی و پذیرش ولایت این بزرگواران تعبیر شده است؛ به همین دلیل است که امام رضا^(ع) این اصل مهم را واجب دانسته و درباره آن فرموده‌اند: «دوستی با دوستان خدا واجب است، همچنین دشمن داشتن و بیزاری جستن از دشمنان اولیای خدا و سرکردگان آنان واجب است».

حمیده ذاکری! سیره اهل بیت^(ع) تنها روایت‌های مختلفی از چند زندگی‌نامه نیست، بلکه شیوه‌نامه‌ای برای زندگی است؛ شیوه‌نامه‌ای که لازم است مقابل چشم‌مان باشد تا بدانیم در زندگی چطور قدم برداریم. یکی از بخش‌های مهم سیره ائمه اطهار^(ع)، سیره اجتماعی آن بزرگواران است، رفتاری که به دین گره خورده است و متمرکز بر اعمال ما درمیان مردم است. یکی از اصول این سیره، توجه به اصل تولی و تبری است که براساس آن شیعیان را به دوستی اهل بیت^(ع) و بیزاری از دشمنان آنان دعوت می‌کردند. زیارت عاشورا را می‌توان نمونه برجسته‌ای از بیان تولی و تبری در عقاید شیعه دانست.

حب و بغضمان به‌خاطر خدا باشد

می‌گفت قیامت که شود، منادی با صدای رسا ندا دهد: «کجا بیند آن‌هایی که به‌خاطر خدا همدیگر را دوست داشتند؟ برخیزید و بدون حساب به سوی بهشت روید! در این موقع فرشتگان الهی از آن‌ها استقبال می‌کنند و از آن‌ها می‌پرستند شما از کدام گروه مردم هستید؟ می‌گویند ما به‌خاطر خدا، گروهی را دوست داشتیم و به‌خاطر خدا گروهی را دشمن داشتیم. فرشتگان می‌گویند: چه خوب است پاداش عمل‌کنندگان!» (نقل از امام سجاد^(ع)).

شناخت خدا در تولی و تبری است

به ابوحمزه ثمالی گفته بود: «کسی خدا را می‌پرستد که خدا را بشناسد. ولی کسی که خدا را نمی‌شناسد، او را همین‌طور که ملاحظه می‌کنی، به‌گمراهی می‌پرستد». ابوحمزه پرسیده بود: «قربانت شوم، معرفت خدا چیست؟». به او گفته بود: «تصدیق خدای عزوجل و تصدیق رسول خدا^(ص) و دوستداران علی^(ع) و پیروی از او و از امامان برحق و بیزاری جستن از دشمن آن‌ها. این است شناخت خداوند». (امام محمد باقر^(ع)، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۳، صفحه ۱۲۵).

دوستانات را مشخص کن!

به امام حسن عسکری^(ع) نامه نوشته بودند تا تکلیفشان را درباره فرقه واقفیه بدانند. امام در جواب آن‌ها نوشته بودند: «آن‌ها را دوست نداشته باشید، به عبادت بیماران آنان نروید، در تشیع جنازه‌هایشان شرکت نکنید، بر مرده‌هایشان نماز نخوانید و در این مورد فرقی نمی‌کند که کسی، امامت یکی از امامان معصوم را انکار کند یا اینکه فردی که دارای مقام امامت از طرف خدا نیست را جزو امامان معصوم بداند یا (مانند مسیحیان) قائل به تثلیث باشد».

روشنا

امام صادق^(ع) فرمودند: «هیچ‌کسی نیست که درباره حسین^(ع) شعری بسراید و بگیرد و با آن بگیراند، مگر آنکه خداوند، بهشت را بر او واجب می‌کند و او را می‌آمزد».

بخشش به سبک پیامبر (ص)

چگونه رفتار کنیم که مشمول رحمت و بخشش شویم و اینکه اگر فردی خطایی مرتکب شد، چگونه واکنش نشان بدهیم؛ چراکه در توصیف و توصیه‌قرآنی، مؤمنان و پیروان حضرت محمد^(ص) این‌گونه ترسیم شده‌اند: «رسول خدا و پیروانش در برابر دشمنان کافر و خون‌خوار، نفوذناپذیر، ولی در برابر مؤمنان و خودی‌ها رؤف و مهربان‌اند» (سوره فتح، آیه ۲۹).

«والعافین عن الناس» (از مردم خطاکار می‌گذرند)، سیدالشهدا^(ع) فرمود: از تو گذشتم، غلام بار سوم، بخش بعدی آیه را خواند: «و... یحب المحسنین» (احسان هم می‌کنند). امام فرمود: تو را آزاد کردم و حقوق و جیره‌ات را دوباربر موارد قبلی می‌پردازم» (کشف الغمّه، ج ۲، ص ۳۱).

چشم می‌خورد. آورده شده است که: «یکی از غلامان حضرت، خطایی را مرتکب شد که مستوجب کبفر بود. امام حسین^(ع) دستور داد او را کبفر کنند. غلام، مردی با فرهنگ و آشنا به علوم قرآن بود، از این رو بخشی از آیه ۱۳۴ سوره آل عمران را تلاوت کرد و گفت: «والکاذمین الغیظ» (پرهیزکاران، خشم خود را اجرا نمی‌کنند). حضرت فرمود: او را رها کنید. غلام بخش دوم آیه را خواند:

اینکه ما انسان‌ها در مقابل اشتباهات خود و دیگری چگونه رفتار کنیم، ما را متمایز می‌کند. نقل شده است که امام حسین^(ع) به علم و دانش افراد به‌خصوص علم به قرآن و مباحث دینی اهمیت می‌دادند. این ویژگی درکنار سخاوت و عطوفت ایشان در بسیاری از روایت‌ها ذکر شده است و در بسیاری از موقعیت‌های ذکرشده از سیره حضرت به

احکام

اگر مسجد یا حرم ائمه^(ع) نجس شود و خود شخص نتواند تطهیر کند.

اگر میزبان دید که غذا نجس است، باید به میهمان خبر دهد.

اگر فردی چیزی را به دیگری می‌فروشد یا عاریه می‌دهد و می‌داند که او می‌خواهد آن را برای خوردن و آشامیدن استفاده کند، باید نجس بودن آن را اطلاع دهد.